

سناریوی پیچیده ناتو



بهرام امیر احمدیان

کارشناس مسائل روسیه

ناتو برآمده از فضای پس از جنگ جهانی دوم و آغاز جنگ سرد و تقسیم جهان به دو قلمرو ژئواستراتژیکی دریایی(به رهبری ایالات متحده) و قلمرو ژئواستراتژیکی قاره‌ای (به رهبری اتحاد شوروی) ظهور یافت. هر یک از این قلمروها برای تأمین امنیت قلمرو در کشورهای عضو، پیمان نظامی مرتبط با قلمرو خود را تأسیس کرد. در قلمرو ژئواستراتژیکی دریایی برای جلوگیری از خطرات احتمالی شوروی و هم پیمانان آن، «سازمان پیمان آتلانتیکی شمالی»(ناتو) تأسیس شد. در قلمرو ژئواستراتژیکی قاره‌ای پیمان نظامی ورشو با ابتکار شوروی تأسیس شد. مسکو به عنوان قلب ژئواستراتژی قاره‌ای پیمان ورشو را در سیطره خود داشت و با کمک‌های نظامی به بلوک شرق همه اعضا را به خدمت گرفته بود. مسکو به عنوان پایتخت اتحاد شوروی و پایتخت فدراسیون روسیه با سد دفاعی طبیعی از سوی شمال (اقیانوس منجمد شمالی) و سه هلال امنیتی پیرامون خود محافظت می‌شد. اما انحلال پیمان ورشو از سوی گورباچف به نیت انحلال پیمان ناتو و آرامش در جهان انجام شد. گورباچف می‌پنداشت که پس از انحلال پیمان ورشو، پیمان ناتو فلسفه و جودی خود را از دست داده و ناگزیر به انحلال خواهد بود و استقلال جمهوری‌های اتحاد شوروی آینده روشنی را برای جهانی بهتر و دور از منازعات نظامی- امنیتی سوق می‌دهد. ولی استقلال جمهوری‌های شوروی سابق، مسکو را با نگرانی روبه‌رو ساخت. تشکیل «سازمان کشورهای مستقل مشترک‌المنافع» اگرچه در سال‌های نخستین تا حدودی انسجام مورد نظر مسکو را برآورده می‌کرد، ولی با گرایش جمهوری‌های شوروی سابق در باز کردن بازارهای خود به سوی غرب و تعاملات همه‌جانبه با جهان آزاد موجب دلسردی مسکو و احساس تنهایی شد. همه این جمهوری‌ها به نحوی از مدار روسیه خارج شدند و در نهایت هلال دوم نیز وضعیت سپری حایل برای مسکو را منفی کرد. عضویت جمهوری‌های سوسیالیستی اروپای شرق در ناتو و ساختارهای پیرو- آتلانتیکی، موجب فروپاشی هلال سوم حلقه دفاعی مسکو شد. در دهه دوم استقلال و روی کار آمدن بوتین اگرچه به ظاهر یک جمهوری غیر ایدئولوژیک اعلام شد، نهایتاً خلأ ایدئولوژیک و نبود یک استراتژی از پیش برنامه‌ریزی شده برای ایفای نقش ابرقدرتی، روسیه را با ضعف استراتژیکی و انزوای بیشتر در محیط بین‌الملل مواجه ساخت. از این مقطع به بعد روسیه با کسب تجربه تلخ از دست رفتن متحدان به‌ویژه در بالکان، با سرکوب خوئین جدایی‌طلبان چچن، اشغال نظامی بخش‌های جدایی‌طلب اوستیای جنوبی و ابخازیا در قلمرو گرجستان (در سال ۲۰۰۸) و اشغال نظامی شبه جزیره کریمه از قلمرو اوکراین (۲۰۱۴) در نهایت حمله نظامی به اوکراین در آغاز سال ۲۰۲۲، جهان را با بحرانی دشوار روبه‌رو ساخته است که ناگزیر رویارویی با روسیه را تنها توسط سازمان بزرگ و قدرتمند ناتو امکان‌پذیر ساخته است. این حرکات روسیه، اعضای ناتو را در جدیت در دفاع از فلسفه و جودی و ایفای نقش مدافع استقلال کشورهای همپیمان تبدیل کرده است. در کنار عوامل متعددی که منجر به فروپاشی شوروی شد، نقش مسابقه تسلیحاتی رارتر است. کشاندن شوروی به این مسابقه آن را ناگزیر به دنبال کردن موازنه تسلیحاتی کرد. شوروی با اقتصاد سوسیالیستی و ایفای نقش بزرگ‌تر برای حمایت از اقتصادهای بلوک شرق، بودجه‌های محدودی برای توسعه اقتصادی داشت که در نهایت هم از نظر اقتصادی و هم علمی و نظامی نمی‌توانست پایه پای‌ناتو به بازسازی ارزش اقدام کند و صرف هزینه بیشتر از بودجه دولتی منجر به کاستن از هزینه‌های بخش‌های اقتصادی و خدماتی می‌شد. برای نمونه برای مقایسه تنها هزینه نظامی ایالات متحده عضو مهم ناتو که در سال‌های اخیر ۸۰۰ میلیارد دلار است، روسیه اگر به تنهایی برای موازنه تسلیحاتی با ایالات متحده اقدام کند، ناگزیر خواهد بود حدود ۴۰ درصد از درآمد‌های خود را صرف بودجه نظامی کند. به همین سبب ناتو برای جلوگیری از توسعه طلبی روسیه راهی جز کشاندن روسیه به مسابقه تسلیحاتی و تحریم ندارد، زیرا ساختار کنونی شورای امنیت ابزاری برای جلوگیری از تجاوز دارندگان حق وتو به دیگر کشورهای مستقل را ندارد. به‌ویژه آنکه روسیه با توسل به اندیشه سیاسی «جهان روسی»(روسیک میر) در صدد احیای امپراتوری روسیه در «اوراسیا»ست که بتواند «امپراتوری اردوی زرین» را برپا دارد. تهدید ناتو به حمله اتمی و بی‌پایی جنگ جهانی سوم، تثبیت‌اش است که روسیه در پی گرفته که تهدید بی‌خطرناک برای آینده جهان است. ۳۲ عضو ژوئوز چهارشنبه ۱۱ ماه جولای ۲۰۲۴ در اجلاس سرآنگه به مناسبت ۷۵ سالگی تأسیس در ایالات متحده برگزار شد، رسماً اعلام کردند که اوکراین در مسیر «غیرقابل بازگشت» برای عضویت در این ائتلاف نظامی غربی قرار خواهد گرفت. هرچند که این نوع از موضع‌گیری می‌تواند بسیار حداقلی تلقی شود، اما به لحاظ قانونی، ارائه تضمین برای حمایت از اوکراین در دوران پس از جنگ با روسیه را الزام‌آورتر می‌کند. کشورهای عضو ناتو در اجلاس چه به صورت جداگانه و چه در بیانیه مشترک نشست سران در واشنگتن، مجموعه‌ای از اقدامات را با هدف تقویت دفاعی اوکراین اعلام کردند. به‌طور خاص، کشورهای ایالات متحده، هلند و دانمارک اعلام کردند که اولین سری از جنگنده‌های اف-۱۶ ناتو تا تابستان امسال در اختیار خلبانان نظامی اوکراینی قرار خواهند گرفت. علاوه بر این، ناتو متعهد شد که در بلندمدت، کمک‌های امنیتی بیشتری به اوکراین ارائه کند و یک مرکز جدید با هدف اطمینان از تأمین مداوم تسلیحات و آموزش به نیروهای نظامی اوکراین ایجاد کند. تعهدات جدید ناتو الزامات اعلام شده اوکراین برای قدرت نظامی لازم برای غلبه بر نیروهای مهاجم روسیه را برآورده می‌کند. با استناد به اظهارات غرب مبنی بر نقش چین در تأمین قطعات تسلیحات روسیه، پکن در بیانیه پایانی ناتو به عنوان «یک کار راه‌انداز سرنوشت‌ساز» در جنگ روسیه علیه اوکراین، لقب گرفت. اعضای این ائتلاف در بیانیه خود تأکید کردند که «آینده اوکراین در ناتو است. ما به حمایت از آن کشور در مسیر برگشت ناپذیرش برای ادغام کامل در همکاری‌های پیرو- آتلانتیک، از جمله عضویت در ناتو ادامه خواهیم داد.»

غلامعلی رجایی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

هم‌پزشکیان وهم منتقدان باید خویشنداری کنند

چانه‌زنی پزشکیان با حاکمیت نتیجه بخش نبوده

است

پزشکیان برای حضور در صحنه انتحار کرده است



کابینه معرفی شده با شعارهای پزشکیان همخوانی ندارد. به همین دلیل کابینه معرفی شده از سه ضلع اصلاح‌طلبان، زنان و اقوام مورد نقد جدی قرار گرفته است. ماجرا اما زمانی پیچیده شد که محمد جواد ظریف، رئیس شورای راهبری در فضای مجازی از انتخاب چنین کابینه‌ای عذرخواهی کرد و عنوان کرد که تنها سه گزینه اول کارگروه‌ها و شش گزینه دوم یا سوم کارگروه‌ها در کابینه حضور دارد و به همین دلیل به صورت تلویحی از ادامه همکاری با پزشکیان استعفا داد. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی این مسائل با دکتر غلامعلی رجایی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب گفت‌وگو کرده که در ادامه می‌خوانید.

اما وزیر کشور خوبی نخواهد شد. وزیر کشور باید استانداران و فرمانداران را انتخاب کند. این در حالی است که این احتمال وجود دارد که دوباره اتفاقی که در دولت روحانی رخ داد تکرار شود. در دولت روحانی اصلاح‌طلبان از روحانی حمایت کردند، اما در نهایت استاندارانی برای مناطق مختلف انتخاب شدند که در مقابل اصلاح‌طلبان قرار داشتند. مردمی که در انتخابات از پزشکیان حمایت کرده‌اند به دنبال تغییر هستند و به همین دلیل نباید احساس کنند که بازی خورده‌اند. در شرایط کنونی این احساس در بین مردم به وجود آمده که برای حضور در انتخابات بازی خورده‌اند. این در حالی است که بسیاری از نخبگان برای به صحنه آوردن مردم واسطه شدند و به شکل‌های مختلف مردم به حضور در پای صندوق‌های رأی تشویق می‌کردند. روز گذشته یکی از همین دوستان به من گفت پس از انتخاب وزرم از ۳۰ تلفن همراه با ناسزا داشتیم که ماکي به دنبال وزارت امثال مومنی و کاظمی بودیم که ما را به حضور در انتخابات دعوت کردید. واقعیت این است که پزشکیان با لیستی که ارائه داده بخشی از پایگاه اجتماعی خود را از دست خواهد داد که بازگشت آن کار آسانی نخواهد بود.

انتظار حامیان پزشکیان این بود که وی در مقابل نهادهای قدرت چند گام به جلو بردارد. آیا در انتخابات کابینه پزشکیان بیش از اندازه نسبت به نهادهای قدرت انتقالی عمل نکرده است؟

واقعیت این است که چانه‌زنی پزشکیان با حاکمیت همراه با نتیجه مطلوب نبوده است. من تردید ندارم که این افراد انتخاب اصلی آقای پزشکیان نبوده‌ و دست‌ایشان بسته بوده است. این در حالی که آقای پزشکیان باید به این نکته توجه داشته باشد که مسئولیت مدیریت کشور و کابینه برعهده رئیس‌جمهور است و مردم این مسئولیت را به ایشان تفویض کرده‌اند. از دست رفتن پایگاه اجتماعی دولت نه به سود پزشکیان است و نه حاکمیت. من شنیده‌ام که آقای پزشکیان حتی برای معاون اولی نیز فرد دیگری را در نظر داشته. اما با توجه به مشورت‌هایی که صورت گرفته در نهایت آقای عارف به عنوان معاون اول خود انتخاب کرده است. آقای پزشکیان باید به این نکته توجه داشته باشد که حمایت مردم از ایشان مشروط است و شرایط به شکلی نیست که مردم تحت هر شرایطی از ایشان حمایت کنند. آقای پزشکیان به مردم مدیون است. مردم نیز باید به این مسأله توجه داشته باشند که کار آقای پزشکیان سخت است و راه دشواری پیش روی ایشان قرار دارد. در واقع پزشکیان برای حضور در صحنه انتحار کرده و ابرو و سلامت خود را گرو گذاشته است. همه ما باید به این نکته توجه کنیم که دولت پزشکیان یک فرصت است و به همین دلیل باید از این فرصتی که به وجود آمده به بهترین وجه استفاده کرد.

شریعتی:

قرار نیست کابینه دولت، صاحبان قدرت را راضی نگه دارد

دارد، آقای پزشکیان انتخابی که کرده انتخاب قانع‌کننده‌ای در کلیت کابینه نیست. تقریباً در همه موارد می‌شود گفت که انتقادهایی از جوامع مختلف به افراد پیشنهادی وارد شده است. در تمام موارد افراد با جریانات، نگاه‌ها و نگرش‌های متفاوت ارزیابی می‌کنند و نقد می‌کنند. اجماعی ایجاد شده است که کابینه، کابینه‌ی مطلوبی از دید افکار عمومی نیست. شریعتی درباره انتخاب وزیر پیشنهادی آموزش و پرورش گفت: وزیر آموزش و پرورش به هیچ عنوان در سطوح مختلف کارشناسی در کارگروه‌ها و کمیته‌ها مطرح نبوده است. این گزینه، گزینه مطلوبی نیست، ما خیلی افراد برجسته‌ای داشتیم حتی در جریان اصولگرا و در میان کسانی که محدودیت‌های استعلام و نظرات دستگاه‌های امنیتی را نداشته باشند. افراد برجسته‌تری داریم که بتوانند به عنوان وزیر آموزش و پرورش معرفی شوند و این فردی که مطرح شده است، از سابقه‌ی قابل

یک فعال سیاسی اصلاح طلب گفت: این تلقی از وفاق ملی که بخواهیم دولت و کابینه دولت و سایر مناصب دولت را تبدیل به یک شرکت سهامی کنیم که به جناح‌های سیاسی مختلف و مخالف پست و سهم دهیم، درست نیست. آقای عبدی مطلبی را به درستی اعلام کردند که اگر قرار است دولت بین جناح‌های سیاسی تقسیم شود که نهاد وفاق ملی باشد، در قوه قضائیه، مجلس، قوای مسلح و ائمه جمعه جماعت هم باید همین اتفاق بیفتد. نمی‌شود که ۸۰ درصد قوای کشور دست یک جناح سیاسی باشد ولی آن ۲۰ درصدی که با رای مردم در اختیار یک جناح دیگر قرار گرفته است را هم تقسیم کنیم؟ اینطور نمی‌شود. سعید شریعتی فعال سیاسی اصلاح طلب در گفت‌وگو با ایلنا، درباره ارزیابی خود از وزرای پیشنهادی دولت چهاردهم، گفت: در مورد کابینه‌ای که معرفی شده است با مجموعه شرایطی که رئیس‌جمهور با آن مواجه است و محدودیت‌هایی که وجود

نگره

بازی عربستان با کارت ترکیه و چین

فرصت سازی پکن از همه‌جانبی

بن سلمان واردوغان

همکاری دفاعی رو به رشد عربستان سعودی با ترکیه و چین در چند سال گذشته به‌ویژه پس از سفرهای اخیر شاهزاده خالد بن سلمان، وزیر دفاع به هر دو کشور به شدت مورد توجه قرار گرفته است. وزیر دفاع عربستان سعودی پس از سفر اخیر خود به چین، در آنکارا با رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه دیدار داشت و در باب فرصت‌های همکاری دفاعی در راستای چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان گفت‌وگو کرد. در چین، شاهزاده خالد توسط ژانگ یوشیا، دومین مقام نظامی چین پس از رئیس‌جمهور شی جین پینگ، مورد استقبال قرار گرفت. این اولین دیدار ژانگ با وزیر دفاع یک بازیگر خارجی در سال جاری بود.

چراهی همه‌جانبی ریاض با آنکارا

ترکیه و چین، عربستان سعودی را به عنوان شریک دفاعی مهم در منطقه لحاظ می‌کنند، بالاخص آنکه دو کشور غیر غربی بیشتر قراردادهایی در زمینه همکاری دفاعی و نظامی با ریاض امضا کرده‌اند. عربستان سعودی قصد دارد تا سال ۲۰۳۰ نیمی از هزینه‌های دفاعی خود را به تأسیسات داخلی اختصاص دهد و در راستای تحقق این هدف، به نظر می‌رسد صنایع دفاعی چین و ترکیه شرکای قوی برای همکاری باشند. ریاض و آنکارا اخیراً روابط خود را در سطوح مختلف برجسته کرده‌اند. با این حال آنگونه که عرب نیز نوشته، همکاری دفاعی عربستان و ترکیه در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی بیشتر است. سال گذشته، در جریان سفر تاریخی اردوغان به پادشاهی، عربستان سعودی با خرید هواپیماهای بدون سرنشین ترکیه از بایکار با بزرگ‌ترین قرارداد دفاعی در تاریخ ترکیه موافقت کرد. با توجه به بحران‌هایی که این کشورها در همسایگی نزدیک خود با آن مواجه هستند، ماهیت سازنده روابط آنها بسیار مهم است و به نظر می‌رسد بخش دفاعی حوزه همکاری از اهمیت بیشتری برخوردار باشد. از همین رو در جریان سفر خالد به آنکارا در حوزه نظامی سه قرارداد مهم امضا شد. هدف این قراردادها حمایت از پادشاهی در بومی سازی صنایع دفاعی است. به بیانی دیگر هدف ریاض این است که بیش از ۷۰ درصد تولید نظامی در این کشور انجام شود. انتظار می‌رود اولین هواپیماهای بدون سرنشین تا سال ۲۰۲۶ به نیروی هوایی سلطنتی عربستان سعودی تحویل داده شود. یکی از مولفه‌های کلیدی چشم‌انداز عربستان سعودی ۲۰۳۰، توسعه صنعت دفاعی خودمختار است که هدف آن کاهش حداقل ۵۰ درصدی وابستگی پادشاهی به واردات تسلیحات است.

موج سواری به سبک پکن

شاهزاده فیصل بن فرحان، وزیر امور خارجه وقت و دوران تصدی اش در عرصه نظامی تعامل قوی بین سیاست خارجی و توسعه صنایع دفاعی برقرار کرد. از سوی دیگر، اردوغان از طریق روابط خانوادگی نفوذ قابل توجهی در بخش دفاعی ترکیه دارد و اقدام او مخز متفکر تولید پهپاد‌های بایکار است. ترکیه با توجه به تجربه موفق خود در ساخت بخش تجهیزات دفاعی بومی، قصد دارد به عنوان یک الگوی بالقوه برای عربستان سعودی عمل کند. دود دهه پیش، کمتر کسی باور داشت که ترکیه به چنین موفقیتی دست یابد. با این حال، تحریم‌های تسلیحاتی این کشور از سوی غرب، انگیزه این بازیگر جهت ساخت صنعت دفاعی خودمختار را افزایش داد. این بومی سازی سریع به ترکیه کمک کرده تا بتواند بدون اتکا به محصولات وارداتی، پهپاد، هلیکوپتر و زیردریایی خود را تولید کند. امروزه شرکت‌های دفاعی ترکیه در بازار جهانی نقش بسزایی دارند. عربستان سعودی نیز با چالش‌های مشابهی روبه‌رو بوده است. ایالات متحده قبلاً صادرات تسلیحات به عربستان سعودی را محدود کرده بود و آلمان فروش تاکر را به این کشور محدود کرده است. این تحولات ریاض را بر آن داشت تا بومی سازی نظامی را در اولویت قرار داده و با نهادهای خارجی بزرگ در ساخت بخش دفاعی بومی خود همکاری کند. پادشاهی و همچنین سایر کشورهای خلیج فارس می‌خواهند روابط امنیتی و دفاعی خود را پس از دوره وابستگی شدید به غرب متنوع کنند. بر اساس اطلاعات رسمی، میزان تلاش‌های سعودی سازی در بخش دفاعی تاکنون به ۱۵ درصد رسیده است. در همین راستا، پکن عربستان سعودی را شریکی کلیدی برای همکاری در منطقه می‌داند. چین از طریق عادی سازی روابط ریاض با تهران، اعتماد پادشاهی را به دست آورده است. در حوزه دفاعی، ارزش استراتژیک چین برای عربستان سعودی به تغییرات در روابط آمریکا و عربستان مرتبط است. با این حال، روابط دفاعی پادشاهی با چین چند لایه است و شامل همکاری مستقیم نظامی، انتقال فناوری و مشارکت صنعتی است. نیروی دریایی چین و عربستان در اکتبر گذشته رزمایش مشترک تروریزسم را برگزار کردند. علاوه بر این، در ماه فوریه، صنعت دفاعی دولتی چین در نمایشگاه جهانی دفاع در ریاض حضور چشمگیری داشت.